

پشت پرده نوبل ادبیات، پس از ۵۰ سال مخالفت با اعطای نوبل به «ساموئل بکت»

اسناد جدید منتشر شده درباره چگونگی اعطای جایزه نوبل ادبیات در سال ۱۹۶۸ حاکی از مخالفت سرسخانه رئیس آکادمی سوئد برای اعطای جایزه به «ساموئل بکت» نمایشنامه‌نویس برجسته ایرلندی است.

به گزارش ایسنا به نقل از گاردین، براساس وصیت‌نامه «آلفرد نوبل» این جایزه باید به نویسندگانی تعلق بگیرد که برجسته‌ترین آثار را در جهت ایده‌آل نوشته باشند؛ این برنده هر سال توسط اعضای آکادمی سوئد (فرهنگستان ادب سوئد) انتخاب می‌شود و اسناد روند چگونگی انتخاب برنده نهایی، پس از ۵۰ سال فاش می‌شود.

بر اساس اسنادی که اخیراً درباره انتخاب برنده نوبل سال ۱۹۶۸ (پس از ۵۰ سال) منتشر شده، «آندرس اوسترلینگ» رئیس وقت آکادمی سوئد، با اعطای جایزه نوبل به «ساموئل بکت» مخالف بوده و درباره همسر بودن آثار «بکت» با روح جایزه نوبل تردید فراوانی داشته است.

اوسترلینگ در توضیحی می‌نویسد: البته در تأثیر هنری نمایش‌نامه‌های «بکت» تردیدی نیست، اما طنز انسان‌گریزانه و بدبینی مفرط در آثار او چشمگیر است. رئیس آکادمی سوئد در سال ۱۹۶۴ نیز با اعطای جایزه نوبل ادبیات به «بکت» مخالف بوده و این کار را پوچ و بیفایده توصیف کرده بود.

با وجود این، «ساموئل بکت» در میان دیگر اعضای کمیته اسکار سال ۱۹۶۸ چهره‌ای محبوب بود و آن‌ها شگفت‌انگیزانه الهام‌گرفته در آثار او را می‌ستودند. در آن سال «آندر مالمرو» رهبر نویس فرانسوی، «ویستن هیو آودن» شاعر انگلیسی و «پاسوناری کاواپاتا»، دیگر شانس‌های اصلی دریافت نوبل ادبیات بودند.



«زرا پاوند» منتقد و شاعر آمریکایی و «ای ام فارستر» داستان‌نویس انگلیسی نیز به‌خاطر سن بالا، از گردونه رقابت نوبل ادبیات ۱۹۶۸ حذف شدند و «ولادیمیر نوباکف» باز هم به سبب غیراخلاقی خوانده شدن رمان «لولیتا» از سوی داوران کنار گذاشته شد. همچنین «اوژن یونسکو» برای بدعت و خلاقیت در نمایشنامه‌نویسی تمجید شد، اما به‌خاطر محتوای بحث‌برانگیز آثارش، از گزینه‌های اصلی دریافت نوبل ادبیات ۱۹۶۸ حذف شده است.

در این میان «آندرس اوسترلینگ» رئیس وقت آکادمی سوئد، برای انتخاب «آندر مالمرو» بسیار تلاش کرده است، گرچه این نویسنده در آن زمان وزیر فرهنگ دولت «شارل دوگل» بود.

«اوسترلینگ» اعطای جایزه به «کاواپاتا» و «ویستن هیو آودن» را نیز توجیه‌پذیر می‌دانسته و در نهایت نیز جایزه به «پاسوناری کاواپاتا» می‌زایپی رسید و هیأت داوران او را به سبب روایت اساتذانه ستود.

گرچه دست «بکت» آن سال از جایزه نوبل ادبیات کوتاه ماند، اما او سال بعد (۱۹۶۹) توانست این جایزه را کسب کند. «ویستن هیو آودن»، «آندر مالمرو»، «چینوا آچه‌به»، «زرا پاوند» و «ای ام فارستر» هرگز نتوانستند در سال‌های بعد هم برنده نوبل شوند.

ساموئل بکت آثارش را به فرانسه و انگلیسی می‌نوشت و نخستین رمان او «مورفی»، در سال ۱۹۳۸ ابتدا در انگلستان و سپس در فرانسه منتشر شد. مهم‌ترین اثر بکت که برایش شهرت جهانی آورد، نمایش‌نامه «در انتظار گودو» است. برخی از آثار دیگرش «مالون می‌میرد»، «مالوسی»، «همه افتادگان»، «آخرین نوار کراپ» و «آخر بازی» هستند.

مخفی نگه داشتن اسرار چگونگی انتخاب برندگان نوبل به این معناست که باید تا سال ۲۰۶۶ منتظر بمانیم تا به‌معماد آکادمی سوئد چرا در نهایت نوبل ادبیات ۲۰۱۷ را به «باب دیلن» ترانه‌سرا و خواننده آمریکایی اهدا کرد که با انتقادهای زیادی مواجه بود.

نگاهی به نخستین دوره جایزه جمالزاده و حواشی آن

جایزه جمالزاده یا جایزه اصفهان؟



افسانه فردان - روزنامه نگار

و ناداستان درباره سفر به اصفهان؛ به بررسی داستان‌های ارسالی پرداخت و در ۲۹ بهمن ماه طی مراسمی از سوی شهرداری اصفهان در تالار هنر برندگان خود را معرفی کرد.

زبان و سبک جمالزاده یا عناصر شهری اصفهان؟

رویکرد سیاست‌گذاری این جایزه برای پذیرش داستان‌ها، وجود عناصری مرتبط با اصفهان بود و علاوه بر آن داستان‌نویس‌ها باید از ویژگی‌های شهری، زیارتی و چیزهایی مشابه این‌ها و همچنین سبک زندگی مردم اصفهان استفاده داستانی می‌کردند. در بخش زندگی‌نگاره‌های اصفهان، باید از روایت‌های واقعی تجربه زندگی در اصفهان یا سفر به این شهر در قالب ناداستان استفاده می‌شد و در بخش آزاد، خلاقیت نویسندگان، معیار قرار گرفته است. نکته مهم در چارچوب‌بندی برای پذیرش داستان‌های ارسالی این است که اگر قرار بوده نوع رویکرد و نگاه در این جایزه، خود جمالزاده و دیدگاه او نسبت به داستان به‌عنوان پدر داستان‌های معاصر باشد، محوریت اصفهان و فضاهای شهری و زیارتی و سفر به اصفهان در بخش ناداستان چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ آیا جمالزاده داستان نوشته است تا شهر زادگاهش را محور قرار دهد و عناصر هنری آن را برجسته کند؟ یا هدف پایه‌گذار داستان کوتاه، به‌عنوان هنری‌ترین گونه شناخته شده هنر معاصر به‌عنوان برخی منتقدان غربی، شناساندن اصفهان و فضاهای شهری اصفهان بوده است؟ به‌واقع استاندارد چنین رویکردی چه بوده و از سوی چه کسانی تعیین شده است؟ آیا داوران نخستین دوره جایزه جمالزاده به حد

کفایت به تمام جنبه‌های داستانی آثار جمالزاده مسلط بوده‌اند؟ آیا پیش از برگزاری چنین جایزه‌ای، بنیان‌گذاران آن، تمام آثار جمالزاده را خوانده و آن‌ها را وا‌کوی کرده‌اند؟ آن‌چه از فضای معیار پذیرش داستان‌ها برمی‌آید پاسخ به این پرسش‌ها را تا حدود زیادی روشن می‌کند؛ خیر.

جایزه ادبی

هدف شناخت آثار بزرگان
آن‌چه گفتن آن ضرورت دارد این است که برگزاری جایزه‌ای با محوریت عناصر شهری و هنری اصفهان، به‌عنوان یک اثر هنری تمام‌عیار و همچنان کشف‌نشده، می‌تواند اتفاقی میمون برای پیوند هنر معماری شهری و ادبیات و داستان باشد و آثاری با خلاقیت و منحصر به فرد همچون خود اصفهان خلق کند، اما نامش مشخصاً «جایزه اصفهان» خواهد بود، نه «جایزه جمالزاده». نوع رویکرد برگزارکنندگان و داوران این دوره به محتوای داستان‌ها نشان می‌دهد که آن‌ها درک عمیقی از داستان‌های جمالزاده نداشته‌اند و فضای تلاش او را برای تغییر فرم و ساختار و نوع به‌کارگیری زبان در داستان‌ها دریافته‌اند. جمالزاده به‌عنوان پدر داستان کوتاه شناخته



آثار او را بخوانند و فضایی برای آشنایی بیشتر با او ایجاد کنیم؟

رقابت در اصفهان و دیگر هیچ

پیشگام شدن شهرداری اصفهان برای برگزاری این جایزه، قابل‌تحسین است و می‌تواند الگویی برای دیگر نهادها دولتی باشد، اما شهرداری اصفهان در واقع جایزه‌ای برای پرداختن به اصفهان و معرفی این شهر برگزار کرده است، نه معرفی جمالزاده و آثارش. مضاف بر آن که معیار قرار دادن عناصری از شهر اصفهان، بخش زیادی از این جایزه را به جایزه‌های بومی و مختص به شهروندان اصفهانی تبدیل می‌کند و در نتیجه این جایزه نه تنها نمی‌تواند در سطح بین‌المللی جایی داشته باشد، بلکه حتی در ابعاد ملی نیز نقص دارد و امکان شرکت برابر برای تمام استعدادها و داستان‌نویسی از سراسر ایران را پایین می‌آورد یا از بین می‌برد و برگزاری آن را به داخل شهر اصفهان و نه حتی استان اصفهان محدود می‌کند، این در حالی است که جمالزاده با نوشتن داستان کوتاه به نوعی به شکستن مرزهای ادبیات سنتی ایران اعتقاد داشت.

غایبان بزرگ جایزه جمالزاده

اما قصه نخستین دوره جمالزاده به همین جا خاتمه نمی‌یابد؛ چند مساه پیش از اعلام فراخوان برای برگزاری نخستین دوره جایزه ادبی، با همت گروه فرهنگی-هنری سونزه به سرپرستی افروز هوشنگ و مجله بخارا با مدیر مسئولی علی دهباشی که بانی و ویراستار هیأت امنای چاپ آثار جمالزاده در ایران نیز هست و همچنین همراهی تحریریه فصلنامه تزویر شهر اصفهان مراسمی با عنوان «شب جمالزاده» برگزار شد و افروز هوشنگ راه‌اندازی جایزه‌ای با نام جمالزاده را پیشنهاد کرد تا سرآغاز اتفاقی خجسته برای پاسداشت محمدعلی جمالزاده به‌عنوان نویسنده‌ای از شهر اصفهان باشد. اما طرفه آن که در جریان برگزاری نخستین دوره این جایزه ادبی، بنیان‌گذار جایزه جمالزاده و به‌ویژه علی دهباشی که پیش از آن شخص است تا تلاش سالیانش پاس داشته شود؟ مگر نه این که جایزه‌ای با نام یکی از بزرگان ادب و هنر برای این است که شرکت‌کنندگان را ترغیب کنیم تا

یکی از اهداف برگزاری جایزه‌ای با نام یکی از بزرگان ادب و هنر، برای این است که شرکت‌کنندگان را ترغیب کنیم که آثار او را بخوانند و فضایی برای آشنایی بیشتر با او ایجاد کنیم

می‌شود، اما هرگز نگاه و نقدی جدی به آثار او صورت نگرفته است و حتی می‌توان به جرأت گفت که آثار او به‌طور کامل خوانده نشده‌اند. از دل چنین فضای حاکمی بر آثار اوست که جایزه‌ای با نام جمالزاده برگزار می‌شود که کوچک‌ترین توجهی به سبک جمالزاده و زبان و محتوای داستان‌های او برای دادن سرنخ به شرکت‌کنندگان در مسابقه ندارد تا بتوانند دستکاری یا استفاده از ژانر او، دست به خلق آثاری تازه در حدود همان سبک و سیاق بزنند. مگر نه این است که برگزاری یک جایزه، برای نشر هنر و اندیشه آن شخص است تا تلاش سالیانش پاس داشته شود؟ مگر نه این که جایزه‌ای با نام یکی از بزرگان ادب و هنر برای این است که شرکت‌کنندگان را ترغیب کنیم تا



داستان مرتبط به هم و در عین مجزا از هم را روایت می‌کرد و اکنون یودیت هرمان تجربه دیگری از داستان کوتاه داشته است. او در لتی پارک می‌خواهد بگوید داستان لزوماً نباید پر حادثه باشد یا اتفاق خیلی عجیب و غریبی در آن بیفتد؛ قرار نیست شخصیت‌های خاصی، سوژه داستان شوند و حتی قرار نیست نویسنده زیر و بم شخصیت‌ها را بریزد روی دایره و مسیر تا پای‌را شرح دهد تا خواننده بداند که دقیقاً با چه کسی روبه‌روست و او چه گذشته‌ای داشته و قرار است در آینده چه بکند. نوع داستان‌های لتی پارک مثل رد شدن لحظه‌ای هنگام قدم زدن توی پیاده‌رو، پارک یا یک مرکز خرید است؛ تصویری آهسته می‌بینیم، توجهمان جلب می‌شود و بعد بدون این که بخواهیم چیز بیشتری بدانیم، با وجود یک تصویر تأثیرگذار در ذهن، به سراغ تصویر بعدی می‌رویم و به‌قدم زدن ادامه می‌دهیم. اما داستان‌ها یک تصویر عمیق را روایت می‌کنند

را پررنگ کند، به درون آدم‌ها رفته است. بحران عواطف انسان در حال گذار، پیرنگ اصلی تمام داستان‌ها را می‌سازد؛ آدم‌هایی که نیمی به گذشته و نیمی به دوران مدرن تعلق دارند. یودیت هرمان در این مجموعه داستان برخلاف آثار پیشینش، رد آدم‌ها را در گذشته نمی‌گیرد یا مدتی طولانی آن‌ها همراه نمی‌شود، بلکه به حال و لحظه اکنون آدم‌ها می‌پردازد. از پیچش داستانی یا بحران به معنای کلاسیک آن در این داستان‌ها خبری نیست. گره‌های داستانی گاه آن قدر نامحسوس‌اند که در خوانش نخست حتی ممکن است به چشم نیفتند. یودیت هرمان در رشته مطالعات فلسفه تحصیل کرده است و در نتیجه در تمام داستان‌ها هایش نگاهی فلسفی و غالباً تلخ، آن‌ها را به‌نوعی شاخص کرده و حرفه روزنامه‌نگاری او موجب شده به کوتاه‌نویسی گرایش داشته باشد. ایلیس سبک تازه‌ای از رمان‌نویسی بود که پنج

پارک»، «شاهد‌ها»، «بادبادک»، «جزیره‌ها»، «گرده در خندان صنوبر»، «بعضی یادها»، «مغز»، «نامه»، «رویاها»، «بازگشت»، «برخوردها» و «مادر» نوشته است. وجه اشتراک تمام این داستان‌ها، تنهایی‌گاه‌نابیده گرفته شده راوی در میانه روز مریگی است. راوی این داستان‌ها انسان مدرنی است که چه در یک خانه دانشجویی دست‌جمعی زندگی کند و چه در یک رابطه عاشقانه باشد و چه با خانواده زندگی کند، درگیر تنهایی دهشتناک دورانی است که انگار تنهایی انسان‌ها در حالت و شرایطی، ویژگی‌گریناپذیر آن است. یودیت هرمان بدون این که قصد داشته باشد به روانشناسی انسان‌ها بپردازد یا چیزی



پیشگام شدن شهرداری اصفهان برای برگزاری جایزه جمالزاده، قابل تحسین است و می‌تواند الگویی برای دیگر نهادها دولتی باشد، اما شهرداری اصفهان در واقع جایزه‌ای برای پرداختن به اصفهان و معرفی این شهر برگزار کرده است، نه معرفی جمالزاده و آثارش

گذشتن کسانی که دغدغه ادبی دارند و به حاشیه راندن آن‌ها، جایزه‌ای ادبی را به سمت برگزاری یکی از جشنواره‌های معمول شهرداری‌ها سوق می‌دهد تا محمدعلی جمالزاده که در متن ادبیات معاصر بود و اما در حاشیه باقی ماند؛ بدون آن که به اندازه کافی خوانده شود، در جایزه‌ای به نام خودش نیز همچنان در حاشیه بماند. سخنرانان جایزه نیز از شهر اصفهان بگوبند نه پدر داستان کوتاه. پوستر سال بعد، یعنی دومین دوره جایزه جمالزاده را نیز کسانی رونمایی کنند که در دورترین نقطه از جمالزاده ایستاده‌اند.

فهرست برگزیدگان

اما برگزیدگان بخش‌های گوناگون نخستین دوره جایزه جمالزاده چنین اعلام شد:

برگزیدگان بخش داستان آزاد:
نفر اول: ناهید عصمتی با داستان «بشت بام‌نجمه»

نفر دوم: محبتی شول افشارزاده با داستان «سفرهای گلی»

نفر سوم: زهرانی چین با داستان «پنجه‌های بابا»

برگزیدگان بخش داستان اصفهان:

نفر اول: مریم منوچهری با داستان «شب خاموش نقش جهان»

نفر دوم: همای جاسسی با داستان «آختمار»

نفر سوم: نسیمه فضل‌اللهی با داستان «تللوی تابستانی»

برگزیدگان بخش زندگی‌نگاره:
نفر اول: مکرمه شوشتری با اثر «پولاروید»

نفر دوم: محسن رهنما با اثر «مردی مقابل رژه»

نفر سوم: محمدرضا عبداللهی با اثر «جایی که توپ‌های هفت سنگ می‌روند و در آن جاگم می‌شوند»



بدون این که بخواهند پرگویی کنند و ریز و درشت زندگی یک شخصیت را شرح دهند. یودیت هرمان به آرامی و بدون این که بخواهد انقلابی در داستان کوتاه ایجاد کند، دست به آزمایش زده است.